

گفت‌وگو با محمدمهدی عسگرپور کارگردان سریال «جراحی»

این جهان‌بینی من است



▲مازیار معاوی

– **چطور شد که با توجه به سابقهٔ ایده‌آل‌گرایی که از شما سراغ داریم امروز شما را به عنوان کارگردان یک مجموعه مناسبتی که به هر حال گردان و صرف‌نظر کردن از کیفیت یکی از شروط اصلی آن است، می‌بینیم؟**

البته این اولین مجموعه مناسبتی نبوده که ساختم. سریال «گل‌های گرمسیری» هم قرار بود کار مناسبتی باشد. اگرچه با توجه به تقرارن بخشی از هفته دفاع مقدس در ماه رمضان این اصرار شبکه یک بود که این کار به شکل مناسبتی ساخته شود. هر چند در میانه‌های ساخت آن مجموعه که من کملاً به شکل یک کار مناسبتی به آن نگاه می‌کردم متوجه شدم که کار دیگری به عنوان کار مناسبتی رمضان آن سال در حال ضبط است و این شد که در نهایت «گل‌های گرمسیری» به صورت پخش هفتگی روی آنتن رفت اما در خصوص عجله و استرسی که شما اشاره کردید باید بگویم چه در آن کار و چه در همین مجموعه «جراحی» تأکید از ابتدا بر اختصاص زمان کافی برای ساخت بود و حتی به تهیه‌کننده گفتم در صورتی که کلید کار به جای اوایل اسفند در فروردین‌ماه زده شود حتماً به دنبال جایگزین کردن یکی از همین کارهایی که دو سه ماهه ساخته می‌شوند به عنوان مجموعه مناسبتی رمضان اسمال باشند. ضمن اینکه در جلساتی که با دوستان شبکه داشتیم من از همان اول تأکید کردم «جراحی» هیچ ارتباط مستقیمی با موضوع ماه رمضان و روزه گرفتن ندارد و حتی قرار هم نیست سکانس‌های مرتبطی که متأسفانه دیگر کاملاً حالت بخششنامه به خود گرفته در فیلمنامه بگنجانم.

– **چطور شد که فیلمنامه‌ای از سعید نعمت‌الله بر آری کار انتخاب کردید؟**

بله. یکی از مهم‌ترین نکاتی که به نظرم آمد طرح موضوع ازدواج فامیلی و ازدواج‌های از پیش تعیین‌شده بود که در این مجموعه به شکل جدیدی به آن پرداخته می‌شود. همچنین موضوع اختلافی که ما بین خانواده‌ها اتفاق می‌افتد که البته پیشتر زیاد در مجموعه‌های تلویزیونی به آن پرداخته شده است ولی در این مجموعه برداشتی امروزی‌تر از این موضوع طرح می‌شد که به اعتقاد من جذابیت داشت و در نهایت اینکه در این فیلمنامه با پایان‌بندی سرم‌بندی شده و بخشنامه‌ای و اینکه در نهایت دست هم را بفشاریم و همه چیز به خوبی و خوشی حل شود مواجه نبودم. به نظر من اگر واقع‌گرا باشیم خواهیم دید که این طور نیست که تمام مشکلات ما با یک صلوات ختم به خیر شود و باید متوجه این واقعیت تلخ باشیم که به هر صورت در این اختلافات و درگیری‌های فامیلی و خانوادگی همه به نوعی جراحات‌هایی می‌بینند که به این زودی‌ها و به این سادگی‌ها مدلول نمی‌شود و تأثیر وضعی خود را روی زندگی آدم‌ها حداقل تا مدت زمانی بر جای می‌گذارد. ضمن اینکه من در جریان ساخت «جراحی» اصلاً نمی‌خواستم از یک سمت دیگر هم فرار کنم و یک پایان به شدت تلخ و گزنده را برای این مجموعه در نظر بگیرم. هدفم بیشتر نزدیک شدن به واقعیات امروز جامعه بود.

– **در صحبت‌هایتان به برداشت و نگاه امروزی به موضوع اختلافات خانوادگی اشاره کردید. منظور تان از نگاه امروزی دقیقاً چیست؟ اختلاف نظر و درگیری دو برادر، میانجیگری صادر به عنوان بزرگ فامیل و… همه از جمله مضامین سنتی هستند که پیش از این هم به آنها پرداخته شده است.**

ببینید جامعه ما یک جامعه متدین است و حتی پیش از اسلام هم جامعه‌ای متدین و اخلاقی گرا بوده است. اما واقعیت این است که ما در جهان امروز برخلاف گذشته دیگر در یک جامعه بسته و به اصطلاح آفلاین زندگی نمی‌کنیم و با ظهور پدیده‌هایی مانند ماهواره و محبوبیت شبکه‌هایی مانند فارسی‌وان دائماً در حال تأثیرگیری فرهنگی از سایر فرهنگ‌ها و سایر کشورهای دنیا هستیم و دقیقاً از همین منظر است که در مجموعه «جراحی» سعی شد از آن نگاه سنتی ایرانی که فقط و فقط به جامعه و فرهنگ ما اختصاص دارد فاصله گرفته شود و با در نظر گرفتن تمام

سال پنجم ■ شماره ۱۰۵۱ ■ سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۹

تئوپوزیون

● محمدمهدی عسگرپور در هیچ ژانری جز جهان‌بینی خاص خود قرار نمی‌گیرد. در همه کارهایش در هر ژانری از «قدمگاه» و «اقلیما» گرفته تا ساخت سریال‌هایی نظیر «گل‌های گرمسیری» و «جراحی»، عیار هر چیزی را با جهان‌بینی و دلدادگی‌اش به قصه و اثر می‌سنجد. اگرچه در میان همه آثارش شاید بتوان «گل‌های گرمسیری» را نه تنها جهان‌بینی، بلکه دغدغه خاص او برشمرد. عسگرپور امسال با ساخت سریال «جراحی»، داستان قدیمی اختلافات خانوادگی را از منظری تازه و معاصر مورد نظر قرار داده و اگر فیلمنامه سعید نعمت‌الله از قوت بیشتری برخوردار بود و انتخاب بازیگران با دشواری‌ها و در عین حال سهل‌انگاری‌هایی روبه‌رو نمی‌شد، شاید «جراحی» می‌توانست متفاوت‌تر از این باشد که امروز هست. اگرچه خود کارگردان نیز در تجربه‌هایی که در تمام این سال‌ها و در کسوت مدیرعامل خانه سینما و دیگر مشاغل مدیریتی و هنری به دست آورده، به گونه‌ای دموکراسی را آموخته است که تمام نقدهای ما را با متانت خاص خود می‌پذیرد. با او درباره این مجموعه گفت‌وگویی نسبتاً طولانی داشتیم که بخشی از آن را می‌خوانید.

می‌کند، البته من در کارهای قبلی‌ام مثل «گل‌های گرمسیری» چنین شیوه‌ای را به کار برده‌ام، اگر به خاطر داشته باشید شخصیت حبیب (پرویز فالاحی‌پور) هم به‌رغم تمام ویژگی‌های ظاهری منفی‌اش یک کاراکتر تماماً شرور نبود و حتی مرگش هم با شیوه معمول مرگ ضدقهرمانان فیلم‌ها تفاوت‌هایی داشت.

– **البته در گزینش نقش‌های فرعی مجموعه نقایصی هم به چشم می‌خورد. به نظرم نقشی که برای بازیگر با تجربه و هر چند کم‌کاری مانند کریم اکبری‌مبار که در نظر گرفته شده (ناصرخان) با توانایی‌ها و پیشینه او تناسب ندارد.** او به هر حال یکی از بازیگران مطرح دهه ۶۰ و بازیگر نقش این‌لجیم در سریال «مام‌علی(ع)» بوده، همین طور بازیگرانی که نقش‌های افسر آگاهی، مسوول پرونده اسماعیل و وکیل او را ایفا می‌کردند بازیگران ضعیفی هستند و برای ایفای نقش‌های فرعی سریالی که شما کارگردان آن هستید گزینه‌های مناسبی نیستند. فکر می‌کنم به سادگی این امکان وجود داشت که از بازیگران تئاتر که برخلاف این دو بزرگوار حس و بیان آموزش‌دیده و کارشده‌ای دارند، استفاده کرد.

البته تا آنجا که می‌دانم بازیگر نقش وکیل از بازیگران تئاتر است و ما برای ایفای نقش‌های فرعی‌تر مجموعه از دوستان تئاتری دعوت کرده بودیم. مثلاً بازیگر نقش داود (کارپرداز قلادی) هم از بچه‌های تئاتری است ولی باز هم این حرف شما را می‌پذیرم که شاید این امکان وجود داشت که از بازیگران بهتری استفاده شود.

– **در مورد انتخاب سیدیاسر جعفری به عنوان یکی از نقش‌های اصلی چنین نقضی به چشم می‌خورد که البته با توجه به کلیدی بودن نقش امیرحافظ بسیار بیشتر به چشم می‌آید. به نظرم هم حس و هم بیان این بازیگر مشکلات اساسی دارد.**

ایمن اولین بار نبود که من از سیدیاسر در کارهایم استفاده می‌کردم. او در فیلم «توبوس» هم بازیگر من بوده است. در انتخاب نقش‌های امیرحافظ و اکرم من تمام تلاشم در وهله اول از این بود که تا به حال دیده نشده باشند ضمن اینکه اصرار داشتم حتماً خامی و نخستگی در بازی این دو نقش وجود نداشته باشد و در بسیاری از موارد خصوصاً در صحنه سیلی خوردن اکرم توسط امیرحافظ من به عمد جلوی اجرای جلوه‌گرانه توسط این دو را از آنها گرفتم تا این حس کودکی و پابختگی باشد که بیشتر به چشم می‌آید.

– **ایمن خامی و کودکی در بسیاری از جاها در آمده ولی فکر می‌کنم همچنان حس و بیان ضعیف سیدیاسر جعفری به کلیت کار لطمه زده است.**

در خصوص بیان سیدیاسر قبول دارم که مشکلاتی دارد و او حتماً باید دوره‌های فن بیان بیشتری را بگذراند اما تردید داشتم که پیش از شروع فیلمبرداری «جراحی» این کار را انجام بدهد یا نه در نهایت به نظرم آمد که برای نقش امیرحافظ فعلاً همین میزان تجربه و توانایی او کافیست می‌کند. شاید هم این تصمیم درست‌ترین تصمیم نبوده است.

– **بد نیست به تیتراژ کار هم اشاره کنیم. خیلی متعارف نیست که در تیتراژ آغاز یک مجموعه از آواز استفاده شود. منظور خاصی از این کار داشته‌اید؟**

به نظرم آنچه روی تیتراژ اول شنیده می‌شود بیشتر آواست نه آواز و البته خیلی هم واضح و مفهوم شنیده نمی‌شود.

– **این سوال را از این بابت کردم که معمولاً تیتراژ اول که در حکم درِچه ورود به مجموعه است، سکوت و تمرکز بالایی را می‌طلبد که توام کردن آن با آوا از این حس تمرکز تا حدودی می‌کاهد.**

به نظرم حجم صدا واقعاً آنچنان بالا نیست که تمرکز را از بینندگان بگیرد. حتی در تیتراژ پایانی هم من با گذاشتن یک آهنگ آنچنانی که یک خواننده جوان پسند اجرا کرده باشد روی تصاویر موافق نبودم و دوست داشتم یک دوبینی اجرا شود که در نهایت خود آریا عظیمی‌نژاد کار را اجرا کرد و به نظرم اجرای بدی هم نیست.

– **با توجه به تنوعی که در دستمایه‌های آثار سینمایی و تلویزیونی شما از قدمگاه گرفته تا همین جراحی دیده می‌شود، ممکن است روزی یک کار طنز را هم به کارگردانی شما ممکن است.** آنهایی که با من کار کرده‌اند نظرشان این است که نمایه‌های قابل قبولی از طنز در کارم دیده می‌شود. ولی اگر روزی بخواهم این کار را انجام دهم شرط اصلی من این است که با یک فیلمنامه قوی و قابل دفاع وارد این عرصه شوم.



● گفت‌وگو با علیرضا جاویدنیا یکی از چهره‌های برتر جشنواره رادیویی «طنز و تبسم»

قدیم‌ها شوخ‌تر بودیم

طنز رادیویی از شاخه‌های تثبیت‌شده، موج و معتبر عرصه فراجغرافیایی طنز است؛ گستره‌ای تأثیرگذار با برشی نقادانه که از بدو تاسیس رادیو همواره یکی از ارکان اصلی و تعیین‌کننده میزان جذب مخاطبان گزیده رسانه‌شنیداری کشور بوده و هست. شاخه‌ای که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان عرصه رسانه به رغم افت و خیزها و کم و کاستی‌های فراوان هیچ‌گاه به ورطه ابتدال و سطحی‌نگری نیفتاده است؛ اتفاقی ناخوشایند که بعضاً در سایر رده‌های هنرهای نمایشی و تصویری چون سینما و تلویزیون شاهدش بوده و هستیم.

در این میان جنگ‌های شادی‌آور و در عین حال فاخر که از دیرباز با چیدمانی از تکه‌های نمایش‌گونه به نقد کاستی‌های موجود در بطن جامعه در عرصه‌های گوناگون پرداخته‌اند دارای جایگاهی ویژه در رادیو بوده‌اند و هنرمندان فعال در این حوزه نیز سال‌هاست که به‌رغم وجود مشکلات بسیار در این مسیر با تلاشی مجددانه و متجراانه لیختد را بر لبان مردمان این دیار نشاندند.

علیرضا جاویدنیا از جمله هنرمندان صاحب نام طنز رادیو است که بیش از سه دهه است که با ارائه تپچه‌ها و کاراکترهای گوناگون از آنچه در اجتماع شاهدش هستیم به شیرین‌ترین و جذاب‌ترین شکل ممکن تبدیل به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های مردمی شده است. چنان‌که در نخستین جشنواره رادیویی «طنز و تبسم» به عنوان یکی از چهره‌های برتر این عرصه طی ۳۰ سال گذشته برگزیده شد، به همین بهانه در گپ و گفتی مجمل ضمن مرور بر جایگاه فعلی مقوله طنز در این رسانه به بررسی کم و کاستی‌های این حوزه پرداختیم.

– **موقعیت فعلی طنز در رادیو در مقایسه با گذشته چه تفاوت‌هایی کرده است؟ به بیان دیگر آیا نگاه افکار عمومی نسبت به این مقوله و وجوه انتقادی آن علمی‌تر شده است؟**

هم بله و هم نه. ببینید طنز بازتاب واقعیت‌های موجود در بطن جامعه با نگاهی اغراق‌شده و کاریکاتورگونه است و بالطبع بخش عمده‌ای از رگه‌های طنز رادیویی ارائه تصویری بزرگ نمایی‌شده از موقعیت‌ها و مشاغل مختلف اجتماعی و نقصان‌ها و بحران‌های موجود در این عرصه‌است. در گذشته ظرفیت انتقادپذیری اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به پذیرش این تصویر بسیار بیشتر از شرایط فعلی بود و چه‌بسا تسری این نگاه به مرتفع شدن برخی از این معضلات کمک می‌کرد اما در حال حاضر وضعیت دشوارتر شده است و هنرمندان عرصه طنز برای ورود به برخی حوزه‌ها دچار تردید می‌شوند چون ممکن است با انتقاد شدیدالحنی از سوی صاحبان اصناف مواجه شوند. به طور مثال ما در گذشته به راحتی با بزرگان موسیقی کشور اصطلاحاً «شوخی» می‌کردیم بدون اینکه نیت سوء و مغرضانه‌ای پشت این مساله باشد اما در حال حاضر به دلیل مشکلات یادشده این اتفاق به ندرت رخ می‌دهد ولی کسانی هم هستند که با سعه صدر با این امر برخورد می‌کنند و بارها پیش آمده به دنبال مطرح کردن طنزگونه یک معضل اجتماعی نامه‌های تشکرآمیز نیز دریافت کرده‌ایم.

– **آیا از سوی سازمان صدا و سیما و مسوولان کشور نیز با خطوط و محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اید؟**

صراحتاً خیر، خوشبختانه روحیه نقدپذیری در میان مسوولان به مراتب بیشتر از صاحبان مشاغل است. به عنوان مثال در همین برنامه «جمعه ایرانی» که گذشته تاریخی‌اش به برنامه «شما و رادیو» و «صبح جمعه با شما» برمی‌گردد بسیاری از مسائل روز جامعه با زبانی طنز و گاه گزنده و عمیق مطرح می‌شود؛ آنچه در تلویزیون کمتر شاهدش هستیم اما هیچ‌گاه تذکری جدی دریافت نکرده‌ایم و مدیران سازمان همواره از این برنامه با لفظ فاخر یاد می‌کنند کمااینکه سردبیران برنامه‌های طنز نیز خود خط‌کشی‌ها را به دقت رعایت می‌کنند.

– **هم‌ترین مشکلات و دغدغه‌های هنرمندان عرصه طنز رادیو در حال حاضر چیست؟**

یکی از اصلی‌ترین مشکلات، دغدغه مالی و معیشتی است. دستمزد بازیگران طنز رادیو در مقایسه با بازیگران طنز تلویزیون بسیار نازل‌تر است و این در حالی است که طنز در رادیو به مراتب غنی‌تر و ارزشمندتر است و اگر زمینه‌های مالی نامالی این هنرمندان فراهم شود با مطالعه، ممارست و انرژی بیشتری به خلق آثار تأثیرگذارتر و ماندگارتر می‌پردازند. از سوی دیگر متأسفانه تبعات این بحران به تلویزیون نیز تسری یافته است چنان‌که اگر قرار باشد یک هنرمند رادیویی در اثری تلویزیونی حضور یابد، تهیه‌کننده و کارگردان با استناد به لفظ «فلائی رادیویی‌به» علاوه بر اینکه تصور می‌کنند دستمزد فرد مذکور باید کمتر از هنرمندان همکار خود باشد ابراز نگرانی می‌کنند که شاید این بازیگر نتواند هم‌تراز و هم‌وزن با سایرین حرکت کند در حالی که بازیگران رادیو به دلیل تمرین فراوان برای انتقال تمامی آنچه حس نامیده می‌شود از طریق صدا، به خوبی با مبانی حرکت و بیان آشنا هستند، چنانچه در مجموعه‌های در حال پخش سیما بازی هنرمندان عرصه نمایش رادیو چند سر و گردن بالاتر از سایرین است و حس تصویر نیز به کمک می‌آید تا اثری که بازیگر رادیو بر جای می‌گذارد ماندگارتر شود و دوستان تهیه‌کننده سیما مطمئن باشند که اگر بازیگران صدا به لحاظ معیشتی تأمین باشند هیچ‌گاه حتی در یک پلان از اثری تلویزیونی حضور نمی‌یابند.

– **و سخن آخر…**

متأسفانه ورود افراد جوان و علاقه‌مند به رادیو چندان نظاممند و قانونمند نیست در حالی که آموزش و تلمذ رکن اصلی توفیق در این حوزه است و مسوولان باید با اتخاذ روش‌های جدی و اصولی به تربیت درست و مداوم نسل جوان بپردازند در غیر این صورت با ادامه این روند جایگاه فاخر رادیو به مرور با مخاطره مواجه می‌شود.

● گفتنی همدار مدیر گروه کودک و نوجوان سیمای پایتخت به اهمیت تعیین گروه سنی برنامه‌ها

انگار به نوزاد چلوکیاب می‌دهیم

ایسنا: مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه پنج سیما درباره لزوم درجه‌بندی برنامه‌های تلویزیونی بر اساس گروه سنی گفت: «اگر به سمت تخصصی شدن پیش برویم، مساله تفکیک مخاطب نیز حل می‌شود.»

علی زارغان با اشاره به تفکیک مخاطب در برنامه‌های تلویزیونی اظهار کرد: «وظیفه تفکیک مخاطب چه در ابتدای امر که در تلویزیون انجام می‌گیرد و چه در لحظه وصول پیام که توسط والدین انجام می‌شود، مساله بسیار مهمی است.» وی گفت: «دادن یک برنامه که متعلق به جوانان است به کودکان، مانند دادن چلوکیاب به یک نوزاد یا کودک یک‌ساله است که احتمالاً باعث می‌شود کودک با مشکلات شدیدی مواجه شود.» وی افزود: «اگر معده کودک به یک ماده نامتناسب، چنان عکس‌العملی نشان می‌دهد، باید دید سر دهن کودک با برنامه‌های نامتناسب چه می‌آید؟»

مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه پنج سیما با بیان اینکه در دنیا فرآیند تفکیک گروه‌های سنی در تلویزیون تعریف شده و نسبت به آن برنامه‌ریزی صورت گرفته است، عنوان کرد: «اساسی‌شبه‌های کودک و نوجوان، توجه به همپوشانی در زمان‌های خواب (به طور مثال اگر فیلمی قرار است توسط کودکان دیده نشود همزمان با آن در شبکه دیگر برنامه‌هایی می‌گذارند که کودکان به آن میل پیدا می‌کنند و آن برنامه را ببینند) و قرار دادن علائمی مانند زیر ۱۸ سال یا زیر ۱۶ سال که هشداردهنده است، از برنامه‌هایی است که در دنیا اجرا می‌شود.»

او گفت: «باید این افق پیش‌رو را برای مخاطب کودک و نوجوان طراحی کرد. حتی یک برنامه خیلی ساده برای مخاطب بزرگسال که اصلاً تحریک‌کننده یا برانگیزاننده عواطف و احساسات او نیست، ممکن است یک نوجوان را در آستانه یک حرکت غیرقابل پیش‌بینی قرار دهد.» وی تأکید کرد: «اگر به سمت تخصصی شدن پیش برویم مسائل اینچنینی پوشش داده می‌شود.»علی زارغان درباره نبود علائمی مانند زیر ۱۸ سال یا زیر ۱۶ سال در تلویزیون کشورمان اظهار کرد: «در کشورهای دیگر مفهوم روابط غیراخلاقی و خشونت، محوریت این عده‌هاست و به دلیل اینکه ما مفاهیم اینچنینی نداشته‌ایم در این رابطه احساس نیاز نکرده‌ایم، اما تصور می‌شود نسبت به خیلی برنامه‌ها این کدها باید داده شود.» زارغان گفت: «من معتقدم تلویزیون در قبال کودکان یک وظیفه بیشتر ندارد، آن هم کودک که فرآیند رشد کودک است و اگر برنامه‌ای در فرآیند رشد کودک اثر مثبت نداشته باشد، اثر منفی دارد.»